

بسمه تعالی

# تفاوت‌های

زن و مرد

یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مسائل در زندگی زناشویی شناخت نقاط متمایز و متفاوت زن و مرد است. اگر زن و مرد می‌خواهند در کنار هم یک خانواده‌ی سالم، مفید، آرام و آرام‌بخش بسازند باید از خودشناسی به طرف دیگر بروند. یعنی معرفت «من» به معرفت «ما» تبدیل می‌شود.

ویژگی‌های زن و مرد را میتوان در دو قالب «جنس» و «فصل» منطقی بررسی کرد. جنس همان نقطه‌ی مشترک این دو یعنی بُعد انسانی میشود که شامل تمام ویژگی‌های انسانی است. یعنی هم در مرد وجود دارد و هم در زن. فصل به ویژگی‌های مختص زن یا مرد گفته میشود که او را از جنس مخالف جدا می‌کند.

در قرآن کریم انسان‌ها به سه گروه تقسیم می‌شوند: مؤمن، کافر و منافق. در مورد هر سه گروه خدای متعال هم مردان را یاد نموده است و هم زنان را هم چنین وقتی صفات زیبایی مؤمنین را بیان می‌کند در هر صفتی هم به مردان توجه دارد و هم به زنان اشتراک زن و مرد در بُعد انسانی سبب شده است تا در تمام امور مادی و معنوی مربوط به این اصل با هم مشترک باشند. زن و مرد، هر دو در امور مادی و مربوط به زندگی به آب، غذا، هوا، لباس، مسکن و ... نیاز دارند.

پس اگر سخن از تفاوت‌ها می‌شود معنایش اختلاف در سیر معنوی نیست بلکه فقط سخن از ویژگی‌هایی است که منحصر به گروه خاصی می‌باشد. خداوند بر اساس حکمت و مصلحت این دو گروه را در این امور از هم جدا نموده تا در کنار هم یک جامعه انسانی کامل را شکل بدهند.

ناگفته پیداست شکل‌گیری جامعه انسانی کامل مشروط به وجود اموری است که جمع کردن آن در یک نفر اصلاً ممکن نیست. آیا می‌توان تصور نمود یک نفر هم مردی موفق در ایجاد اقتصاد، آرامش و پشتیبانی خانواده باشد و هم مادری فداکار برای بچه‌ها و ...؟ آیا می‌شود هم بیرون خانه کار کند و هم به کارهای خانه و فرزندپروری بپردازد؟ آیا می‌شود هم شدت، قدرت و سختی یک مرد و هم لطافت، طراوت و شادابی یک زن را داشته باشد؟ ...

در واقع مرد و زن مثل دو نیمه هستند که وقتی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، جاهای خالی یکدیگر را پر کرده و به کلی کامل، بدون هیچ شکاف و خللی تبدیل می‌شوند. این همان هدفی است که خداوند متعال در ایجاد خانواده داشته است.

در این راستا توجه به چند نکته لازم است:

۱. آن چه که به عنوان ویژگی یک گروه اعم از زنان و یا مردان معرفی می‌شود نباید در نگاه فرد مقابل عیب و نقص محسوب شود. نه گریه کردن زن عیب بوده و به معنای لوس بودن یا کم صبر بودن اوست و نه

گریه نکردن مرد به معنای سخت دل بودن اوست. خدای متعال طبع زن و مرد را این گونه آفریده است و این بهترین شکل آفرینش است.

۲. این ویژگی‌ها باید در هر دو گروه حفظ شود تا زندگی شیرین و کمال‌جویی انسان شکل بگیرد. هیچ کدام از دو طرف نباید به دنبال از بین بردن ویژگی‌های طرف مقابل باشند بلکه در بعضی موارد باید در توسعه این حالات تلاش کرد.

۳. این ویژگی‌ها باید مانند تمام نیروهای غریزی مهار، کنترل و در مسیرهای خاصی که اخلاق انسانی و ایمانی برای آن‌ها تعریف نموده است، هدایت شود.

۴. افراد برای ایجاد یک زندگی شیرین، هدف‌مند، معنادار و با سعادت باید بعد از شناخت، توجه و پذیرش تفاوت‌ها به صورتی صحیح آن‌ها را مدیریت کنند. به عبارت دیگر بسیاری از این تفاوت‌ها در نگاه اول بحران‌آفرین است یعنی اگر مرد و زن بر آن چه که هستند اصرار کنند دیگر نمی‌توان آن دو را زیر یک سقف جمع نمود و از آن طرف اگر مرد یا زن از آن چه که باید باشند دست بردارند دیگر جایگاه خود را از دست داده‌اند. این جا است که مدیریت صحیح و جایگزینی مناسب می‌تواند نه تنها جلوی بحران‌ها را بگیرد بلکه همین تفاوت‌ها را علتی برای شیرینی زندگی قرار می‌دهد.

۵. مباحثی که پیش رو داریم تماماً برداشت‌هایی از دو منبع اسلام یعنی قرآن کریم و اهل بیت (علیهم السلام) است.

### اولین آرزو و بزرگ‌ترین هدف

ساختار نظام خلقت به گونه‌ای تعریف شده است که دنیا آباد نمی‌گردد مگر با تلاش و کوشش خستگی‌ناپذیر انسان. طبیعی است که انسان برای هر حرکتی نیاز به انگیزه دارد و هر چه انگیزه‌اش بیشتر و قوی‌تر باشد حرکت او پُر قدرت‌تر و در بُعد زمان طولانی‌تر خواهد بود.

خدای متعال این انگیزه را به صورت یک نیروی غریزی در وجود مرد قرار داده است تا به صورتی خستگی‌ناپذیر برای آبادتر کردن دنیای خود تلاش کند. یک مرد نمی‌تواند ببیند گوشه‌ای از دنیایش قابلیت آبادانی دارد ولی او دست روی دست گذاشته است. پس برنامه‌ی اساسی او حرکت در مسیر بهترین استفاده از دنیای اطراف خود می‌باشد.

اما زنان به طور غریزی به دنیای اطراف خود این گونه نگاه نمی‌کنند. آن‌ها نمی‌خواهند خود را تمام وقت وقف دنیا کنند. بزرگ‌ترین هدف یک زن تسخیر یک مرد است. همان لذتی که یک مرد در رسیدن به دنیای آباد خود می‌بیند، زن در همراه کردن همسرش در تمام زوایای زندگی خود می‌داند.

**دقت:** این احساس و آنچه که به دنبال آن می‌آید حسادت نیست. معنای حسادت تلاش برای گرفتن نعمت از دیگری و تا حد امکان برداشتن آن برای خود است. اما هر چند در این احساس کسی هم نباشد باز طبع زن اجازه نمی‌دهد که همسرش به سویی جدای از خواسته و اراده او برود.

پس به طور کلی بزرگ‌ترین هدف و اولین آرزوی زندگی زنان تسلیم کردن مردان و همراه کردن آن‌ها با خود است. هر چه زنان در این امر موفق‌تر باشند احساس رضایتشان از زندگی بیشتر است.

و شاید بر همین اساس (یعنی ایجاد احساس رضایت‌مندی در زن) است که بر مردان لازم است همسران خود را دوست بدارند و این محبت را ابراز کنند.

در این میان توجه به یک نکته لازم است و آن سیری‌ناپذیری این احساس در زنان و مردان است. یعنی درست همان‌طور که هیچ‌گاه یک زن احساس اشباع و عدم نیاز به همراهی همسر نمی‌کند و دقیقاً مثل یک مرد هم هیچ‌گاه از دنیا سیر نمی‌شود. پس این مسیر مسیری است بی‌پایان که آغازش زندگی مشترک است ولی پایانی ندارد.

### زیباترین و سخت‌ترین

انسان به عنوان کامل‌ترین موجود در عالم خلقت معجونی از صفات و روحیات بسیار زیادی است که شناخت و شمارش آن خود علم مستقلی را می‌طلبد ولی به طور کلی در میان این معجون، زیباترین صفت احساس و سخت‌ترین آن عقل است.

عقل و احساس از نعمت‌های بسیار بزرگ خداوند هستند که هر دو مربوط به شالوده مشترک زن و مرد می‌باشند. اما براساس حکمت الهی نحوه‌ی جای‌گیری هر کدام در وجود زن و مرد فرق می‌کند. برای نمونه احساسات و عواطف در وجود زن بیشتر از مرد است تا بتواند نقش خود را در جامعه‌ی بشری ایفاء کند. مثلاً اتفاقی که فقط برای مردان تأثیر برانگیز است می‌تواند برای زنان موجب حزن و اندوهی بزرگ گردد به گونه‌ای که تاب و توان را از او بگیرد. در این جا دقت و توجه به دو نکته لازم است:

۱. این ویژگی در زنان خود یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی هم به زن و هم به مرد است. زنان با وجود این حالت است که می‌توانند زیباترین صحنه‌ها را به عنوان مادر خلق کنند و هم‌چنین موجب نشاط و شادابی اطراف خود گردند، چه در قالب دختر، چه همسر و چه مادر.

احساسات شدید موجب شور و نشاطی می‌گردد که جامعه‌ی بشری هرگز بدون آن قادر به ادامه حیات خود نیست. روح انسانی یک مرد نیاز به تحریک احساسی و ایجاد هیجان دارد و این کاری است که زن در هر جایگاهی که باشد قادر به انجام آن است. مردان تنها زمانی قدر این نعمت را می‌دانند که لحظه‌ای چشم را ببندند و خانه‌ای را تصور کنند که وقتی وارد آن می‌شوند همسرشان با رفتاری مردانه سلامی خشک و خالی به آن‌ها بکند و ... آیا واقعاً این خانه برای مرد قابل تحمل است؟

۲. احساسات روحی انسان به دو دسته خوب و بد تقسیم می‌شود. به عبارت دیگر منظور ما از احساسات فقط عواطف نیست بلکه تمام اموری است که روح انسان بدون در نظر گرفتن عقل و حکمت با آن درگیر است.<sup>۱</sup> شدت و ضعف این امور نیز بین زن و مرد متفاوت است و بعضی از آن‌ها در وجود زنان بیشترند و برخی در وجود مردان.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد فوران احساسات و هیجان روحی حاصل از آن، در زنان بسیار بیشتر و قوی‌تر از مردن است به گونه‌ای که مهار آن گاه دشوار و گاه غیر ممکن می‌گردد.

حکمت این امر هم این است که لطافت و طراوت زن در گرو احساساتی بودن اوست.

از سوی دیگر مسیر تعقل انسان‌ها یعنی چگونگی استفاده از خرد، نیز در میان آن‌ها مختلف است. به عبارت دیگر یکی از پیش‌بناهای تعقل زنان احساسات آن‌ها است در حالی که مرد در مسیر خردگرایی خود یا آن را اصلاً لحاظ نمی‌کند و یا امتیاز کمتری برای آن قائل است.

در نهایت این بحث می‌توان به این نتیجه رسید که طبیعی است اگر جایی احساسات زنان فوران کرد، نباید به خردگرایی آنان اعتماد نمود. در این صورت باید صبر کرد تا احساساتشان فروکش کند و آرام شوند. دقیقاً مانند انسانی که خشم و غضب او را فرا گرفته است در آن لحظه او با هزار دلیل می‌گوید باید چنین و چنان کنم اما وقتی آرام می‌گیرد می‌بیند حتی یک دلیل از آن هزار هم قابل قبول نبوده است.

<sup>۱</sup> - مثل حس حسادت، برتری‌جویی، خودنمایی، قدرت‌طلبی، زیبا نمایی و ...

این جا است که سخن امیرمؤمنان نمود پیدا می‌کند که فرمود: «با زنانی که رأی محکم آنان برای شما ثابت شده است مشورت کنید.» و رأی زن محکم نیست مگر زمانی که تسلیم احساسات خود نشده باشد. برای تکمیل بحث می‌توان به یک زن نمونه از دید خدای متعال در قرآن کریم اشاره کرد. قرآن کریم زنان و مردان متعددی را یاد نموده و با بیان ویژگی مهم آنان عظمت آن‌ها را معرفی فرموده است. یکی از ۱۶ زنی در قرآن به او اشاره شده است ملکه سبا «بانو بلقیس» است. اوج تبلور شخصیت این بانو درست زمانی است که ایشان بعد از رسیدن نامه‌ی سلیمان پیامبر، وزیران و امیران خود را برای مشورت جمع می‌کند. آنان سخن از قدرت نظامی خود می‌کنند اما این زن نمونه یک تنه جُور بی‌عقلی یک گروه بزرگ از مردان را می‌کشد و با سخنی در اوج تدبیر عقل خود را به رُخ تمام مردان می‌کشد و چقدر زیبا خدای متعال از این عقل و تدبیر او تمجید می‌کند.<sup>۱</sup>

## طالب و مطلوب

شمع وجودی خانواده کیست که همه باید دور او بگردند؟ دُرّ گرانبهای خانه کیست که همه باید برای حفظ او تلاش نموده و از او حمایت کنند؟ طبع آدمی این گونه سرشته شده است که مردان باید به سوی زنان حرکت کنند مرد طالب و زن مطلوب باشد. این مرد است که باید برای رسیدن به همسر خود از جهت مادی و معنوی هزینه کند و همیشه احساس کند آن چیزی را که به دست آورده بسیار با ارزش تر از مقداری است که هزینه کرده است. ارزش تکوینی زن زمانی معلوم می‌گردد که بهره‌ی زن و مرد از زندگی مشترک یکسان بلکه بهره‌ی زن بیشتر باشد. در نظام تکوین خداوند به مرد حس طالب بودن و به زن حس غرور و خود بزرگ‌بینی در مقابل مرد داده است. یعنی زن از مطلوب بودن خود خبر دارد و می‌خواهد جایگاه بلند خود را حفظ کند. تأمین کننده‌ی انرژی لازم برای یک عمر طالب بودن مرد چند بار است که بر آن اشاره می‌شود:

### ۱. آرام بخش

<sup>۱</sup> - شما می‌توانید با مراجعه به قرآن کریم سوره نمل، آیات ۲۲ تا ۴۴ تمام داستان را ملاحظه کنید.

مردان پس از پشت سر گذاشتن دوران بلوغ و رسیدن به سن جوانی دچار اضطراب و نگرانی شده و دچار احساس خستگی پیدا می‌شوند. به همین دلیل به دنبال آرامش می‌روند. آن‌ها خود خوب می‌دانند که آرام بخش کیست و آرامش کجاست؟ آن‌ها دنبال بانوی زندگی خود می‌گردند. کسی که محرم اسرار او گردد و با لطافت و نرمی سختی‌های زندگی را برای او آسان کند.

بهترین زمان ازدواج وقتی است که این احساس در مرد فوران کند. چرا که مرد در تمام لحظات زندگی‌اش (نه فقط هنگام طغیان شهوت) طالب است.

خدای متعال حسی را در وجود زن قرار داده است تا بتواند آرام کننده مرد باشد. زن‌ها با رفتارهای مخصوصی که فقط خود می‌دانند، می‌توانند در هر شرایطی وارد حیطه‌ی روح و روان همسر شده و فشارها را کم یا نابود کنند. آرام‌بخش بودن زن برای مرد آن قدر مهم است که خدای متعال این امر را از دلائل خدایی خود معرفی نموده و به عنوان نشانی بر قدرت بی‌منت‌هایش می‌داند.

به همین دلیل پس از رانده شدن حضرت آدم از بهشت و در مقام توبیخ ایشان به او می‌فرمایند: «مگر من تو را خلق نکردم؟ مگر من روح در تو ندیدم؟ مگر من تو را در بهشت جا ندادم؟ مگر من حوا را به همسری تو در نیاوردم؟»<sup>۱</sup> البته وجود مرد (شوهر) هم موجب آرامش و انس زن است. اما آن چه ظاهر است این است که نیاز مرد در این جهت بسیار بیشتر از زن است. زیرا اضطراب مرد در تنهایی زیادتر از زن و احساس آرامش او در کنار زن بیشتر از زن در کنار مرد است.

## ۲. تنها حلال

عامل دومی که انرژی طالب بودن مرد را تأمین می‌کند مسأله شهوت است. شهوت یکی از نیروهای غریزی است که در وجود همه انسان‌ها چه مرد و چه زن قرار داده شده است اما از آن جایی که در نظام خلقت زیباترین حالت طالب بودن مرد و مطلوب بودن زن است خداوند شهوت را در وجود این دو به گونه‌ای چیش نموده است که این هدف محقق شود.

<sup>۱</sup> - سوره روم، آیه ۲۰.

به عنوان نمونه شهوت در مرد به گونه‌ای است که با هر عاملی (دیدن یک عکس، شنیدن یک صدا یا حتی با تصوّر ذهنی) تحریک شده و به سوی جنس مخالف می‌رود. در مقابل زن به طور غریزی دوست دارد برای مرد خودنمایی، زیباسازی و زیانمایی داشته کند. به عبارت دیگر دوست دارد مرد را به دنبال خود بکشاند.

در واقع زن طبعاً دوست ندارد به سوی مرد برود بلکه از او می‌خواهد که به سویش بیاید و بر همین اصل اگر دلبری هم کند باز با غرور و تکبر خود را از دسترس مرد دور نگه می‌دارد.

نکته بسیار مهم این است که در مکتب قرآن کریم و اهل بیت (علیهم السلام) ارضاء غریزه جنسی یعنی هر گونه کشش و تمایل به جنس مخالف تحت هیچ عنوانی جایز نیست مگر در قالب ازدواج و این جاست که داستان ارضاء غریزه جنسی در درون خانه و به وسیله همسر از حساسیت بسیار بالایی برخوردار می‌شود. بالاخره چه بخواهیم و چه نخواهیم این غریزه وجود دارد و هیچ راهی برای فروکش کردن آن نیست مگر همسر انسان. لذا هم در آیات متعددی از قرآن کریم و هم در روایات بسیاری از اهل بیت (علیهم السلام) به این امر اشاره شده است.

از دید قرآن کریم خودنمایی زن برای مرد (مثل سخن گفتن با ناز یا صدای خلخالی که زیر چادر است) در مقابل مرد هم حق ندارد به هیچ وجه شهوت خود را با غیر همسر خود آرام کند.

این سخت‌گیری دینی سبب می‌شود تا محیط خانه از جهت شهوانی همیشه گرم و گیرا باشد و همین نیاز شهوانی مسیر بسیاری از رفتارها را تغییر می‌دهد.

به نکات زیر توجه نمایید:

- زنان باید توجه داشته باشند که تحریک و ارضاء شهوت مرد بیشتر روانی است تا فیزیکی. به همین دلیل است در مقابل شوهر وظائف خاص خود را دارند که همه بر این محور قرار دارد. زن باید آمادگی لازم را داشته باشد تا مردی که در محیط بیرون بسیاری صحنه‌های نامناسب دیده و تحریک شده درون خانه مثل آن و بلکه بهتر از آن را از همسر خود ببیند.
- مردان باید توجه داشته باشند که تحریک و ارضاء غریزه جنسی زنان بیشتر فیزیکی است تا روانی لذا رفتارهای خود را بر محور این امر باید تنظیم کنند.
- ارضاء این نیرو برای زنان لذتی چند برابر نسبت به مردان دارد و قدرت آن هم بسیار زیاد است. ولی خدای متعال بر اساس حکمت و مصلحت بازدارنده‌ای قوی به نام حیاء قرار داده است. اگر شهوت زن ۹ برابر شهوت مرد است حیاء زن هم ۹ برابر حیاء مرد است.



پس چون تحریک و ارضای غریزه جنسی مردان تا حد زیادی مربوط به روان و دریافت‌های آن‌هاست، لذا باید به دریافت‌های سمعی و بصریشان توجه شود. چهره، مو، بدن، حرکات و حتی صدای زن برای مرد محرک است. پس تمام این‌ها را باید زیبا و نیکو بیند تا در طول زندگی به احساس سعادت‌مندی دست یابد.

نکته‌ی بسیار مهم آن است که همسر تمام عیار زندگی است که نزد مرد طالب زیبا و تمام‌عیار باشد نه نزد دیگران. به عبارت دیگر زیبایی در چهره، مو، اندام و رفتار یک امر نسبی است. چهره‌ای ممکن است نزد یکی زیبا و از نگاه دیگری نه چندان زیبا و در نگاه سومین نفر زشت باشد، پس چون زیبایی امری نسبی است باید دختر برای پسر فرشته‌ای انسان‌نما باشد نه برای دیگران حتی پدر و مادر. جالب این است که تمام مردان می‌توانند به این احساس برسند که همسر من زیباترین است و تمام زنان می‌توانند زیباترین‌ها باشند.

اما از جهت زنان، داستان مقداری متفاوت است. از آن جایی که شهوت زنان در تحریک و ارضاء با مردان متفاوت می‌باشد لذا نگاه زنان در انتخاب همسر فرق می‌کند. زنان بیشتر دنبال مردانگی همسر آینده خود هستند تا زیبایی‌های ظاهری، چرا که اوج لذت برای آنان زمانی است که در کنار مردی قرار گیرند که با تمام وجود مردانگی خود را فدای پوشش دادن همسر خود می‌کند.

البته باید چهره‌ی مرد هم برای زن دل‌نشین باشد و آلا موجب عدم الفت میان آن دو می‌گردد.

### ۳. حمایت از ...

سومین عامل انرژی بخش به حس طالب بودن مرد و مطلوب بودن زن داستان «حمایت» در درون خانواده‌ی دو نفره است.

وقتی اولین جامعه و کوچک‌ترین آن، شکل می‌گیرد. باید یکی از طرفین دیگری را حمایت نماید. یعنی نقش چتر (در مقابل مشکلاتی که بر سر طرف دیگر می‌ریزد) و یا سپر (در مقابل مشکلاتی که بر او می‌خواهد وارد شود) را بازی کنند. پیدا کردن طبع مرد و زن در این امر کمک شایانی به تثبیت جایگاه دو طرف می‌نماید.

در این میان سه احتمال وجود دارد:

۱. این احساس در وجود زن شکل گرفته باشد و در راستای این حس جای گرفته در طبع خود به دنبال حمایت

از مرد باشد.

۲. این احساس در وجود مرد باشد.

۳. هیچ کدام این طبع را نداشته باشند.

با یک نگاه ساده به زوج جوانی که قصد عبور از خیابان را دارند می‌توان حقیقت را کشف کرد. آیا زن دست مرد را می‌گیرد و یا مرد دست زن را؟ اگر در همان لحظه قلب پر تپش این زوج جوان موشکافی شود می‌بینیم هر دو مالا مال از نشاط است یکی به خاطر این که توانسته است حمایت کننده‌ای مثل این مرد ... بر بالای سر خود قرار دهد و دیگری از این که توانسته است در یک محیط خطرناک از کسی پشتیبانی کند که تمام نگاهش به او است. این داستان در سراسر زندگی مشترک وجود دارد ولی آن چه که باید در قسمت تفاوت‌ها به آن توجه نمود این است که در طبع مرد حس حمایت‌کنندگی و لذت از آن وجود دارد. در حالی که در طبع زن حس حمایت‌شوندگی و لذت از آن موج می‌زند. پس مردی که قصد ازدواج دارد باید با این نگاه وارد این میدان شود نه آن که خود از آغاز زندگی به دنبال حمایت‌های همسر باشد. از سوی دیگر زن نیز نباید از این احساس غفلت کند زیرا این امر زندگی را برای همیشه تلخ می‌کند. به عبارت دیگر حس حمایتگر مرد، حس غریزی مانند بقیه‌ی احساس‌هاست که باید ارضاء شود. براساس لطف و حکمت الهی نیز تمام ابزارهای لازم برای تأمین روحیه مرد و زن از جهت پوشش دادن و پوشش قرار گرفتن در آن‌ها وجود دارد.

قدرت روحی و جسمی برای مرد است و در مقابل لطافت روحی و ظرافت در جسم برای زن است. وجود این روحیه در زن و مرد آن قدر مهم و لازم است که اساس خلقت هر دو قرار گرفته است، به گونه‌ای که حتی در خلق خصوصیات ظاهری مرد و زن نیز به این نکته توجه شده است. در جهت دیگر یعنی وظایفی که در خانه و یا جامعه بر دوش مرد و زن قرار گرفته است نیز اقتدار مرد و لطافت زن مورد توجه بوده است. به عبارت دیگر خدای متعال دوست دارد در همه حال زن لطافت خود را و مرد اقتدار خود را حفظ کند، تا در نتیجه آن حس پوششی نسبت به یکدیگر داشته باشند. نکته دیگری که اشاره‌ی به آن در این راستا لازم می‌باشد این است که اقتدار مرد اقتضاء می‌کند که خود به تنهایی مسئولیت مادی و معنوی خانواده را بر عهده بگیرد.

**دقت:** در مکتب اهل بیت (علیه السلام) مسئول خانواده مرد است نه زن. بله زن در محیط خانواده مسئولیت‌های خاص خود را دارد ولی هدایت خانواده به سوی خیر و دور کردن خانواده از شرّ و فساد وظیفه مرد است. به عبارت دیگر همه اعضای خانواده به عنوان یک انسان و یا یک فرد مؤمن باید رفتارهایی از خود نشان دهند ولی مرد علاوه بر وظایف عمومی که مثل بقیه افراد خانواده دارد وظیفه دارد رهبری خانواده را عهده‌دار شود و در روز قیامت هم اگر مرد کوتاهی

نموده باشد مورد بازخواست قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر مرد چون چتر حمایتی زن است حق ندارد به او نگاه اقتصادی داشته باشد.

**دقت:** برای فهم بهتر این دستور در مکتب اهل بیت (علیه السلام) لازم است چند مطلب کاملاً از هم تفکیک گردد.

۱. فعالیت اقتصادی زنان.

۲. فعالیت اجتماعی - اقتصادی و یا اقتصادی - اجتماعی زنان.

۳. جایگاه فعالیت اقتصادی زن در خانواده.

۴. جایگاه درآمد اقتصادی زن در خانواده.

در اطراف این چهار موضوع و نظر نهایی دین در مورد آن سخن بسیار است و مجالی دیگر می‌طلبد. ولی آن چه که در این مقام باید گفت این است که مرد نباید برای همه هزینه زندگی از اول روی درآمد زن حساب کند. به این معنا که او را شریک در دخل و خرج خانه کند. طبیعی است این رفتار خلاف طبع مرد و زن است و آثار زیان‌بار بسیاری در محیط خانه دارد.

مردی که قصد ازدواج درد باید بپذیرد که حمایت اقتصادی از همسر آینده وظیفه او است حتی اگر همسرش درآمدهای چنین و چنان داشته باشد.

در بیان «سالاران کلام» اهل بیت (علیه السلام) زن تشبیه به گل شده است اما مفهوم این تشبیه زمانی معلوم می‌گردد که تقابل این کلامی امام علی (علیه السلام) مورد توجه قرار گیرد.

«المرءة ریحانه و لیست بقهرمانه» زن گل است و «قهرمان» نیست. گل بودن در مقابل قهرمان نبودن است، پس اگر معنای قهرمان معلوم گردد منظور از «گل» هم معلوم می‌گردد. «قهرمان» آن گونه که در کتاب‌های لغت‌نامه نوشته شده است لفظی است که از زبان فارس وارد زبان عربی شده است و در زبان فارسی «قهرمان» به کسی گفته می‌شد که مسئولیت رسیدگی به تمام امور منزل را عهده‌دار می‌شد.

کسانی که به علت اشتغال زیاد و نداشتن دقت و یا موقعیت اجتماعی بالا (مثل مقامات اجتماعی و رؤساء) امور مربوط به منزل مثل خرید، تعمیر و ... به شخص خاصی می‌سپارند. لقب این شخص «قهرمان» است.

به تعبیر امام (علیه السلام) زن موجودی نیست که مسئولیت هر کاری را بر دوش او گذاشت و توقع انجام هر کاری را از او داشت بلکه او موجودی لطیف مثل گل است که باید باغبان فضای مناسب، آب مناسب، شرایط مناسب و ... را برای نگهداری او لحاظ کند. در محیط خانه زن حکم گل در باغ را دارد.

## غیرت

غیرت (که در حقیقت حصرگرایی و تعصب بر یک نعمت مخصوص است) یکی از صفات روحی است که در مرد و زن وجود دارد ولی بعد از ازدواج اوج می‌گیرد. هر جایی که حرف از جوشش غیرت است می‌بینیم زمینه آن احساس تعدی دیگری و یا احساس بی‌مرزبان شدن مرزها است.

این احساس جزء طبیعت انسانی است و می‌تواند خود را در تمام شئون زندگی نشان دهد ولی ما در این جا فقط به یک بعد آن اشاره می‌کنیم و آن غیرت در زندگی مشترک یعنی خرج کردن غیرت در مورد طرف مقابل زندگی است. **دقت:** غیرت یکی از ویژگی‌های طبع آدمی است پس همه انسان‌ها طبق طبیعت خود غیرت‌مند هستند ولی اختلافی که وجود دارد در جایگاه غیرت است.

در مکتب اهل بیت (علیه السلام) مرزهای غیرت مرد دقیقاً تعریف شده است. این مرزها چیزی نیست مگر همان مرز احکام خدا و حلال و حرام او. تأکید راهبران هدایت بر غیرت‌مند بودن مرد نسبت به همسر خود در تمام جهاتی است که خداوند حرام و یا واجب فرموده است. در تمام این حدود مرد باید غیرت‌مندانه همسرش را دعوت به رعایت نموده و در مقابل مرد اجنبی که قصد سوئی دارد بایستد.

**دقت:** همان طور که در متن بالا مشاهده می‌شود تأکید بر غیرت در دایره محرمات و واجبات است و نه بیشتر. یکی از آفت‌هایی که بسیاری از خانواده‌ها را از مسیر نشاط و شادابی بیرون برده و درگیر با مشکلات روانی و رفتاری نموده است غیرت بی‌جای مرد است.

غیرت مرد در جایی که خدای متعال غیرت به خرج نداده است نه تنها حسنی ندارد بلکه عین زشتی در رفتار معرفی شده است. مگر می‌شود انسان از خدای خود غیرت‌مندتر باشد؟! اگر واقعاً این رفتار مشکلی داشت یقیناً خدای غیور آن را حرام می‌نمودند.

**دقت:** در حلال خدا غیرت به خرج ندهید که حداقل ضرری که دارد دو امر است:

۱. بی‌ادبی در محضر خدای متعال، و در عمل نسبت جهل به خدا دادن. چرا که این رفتار در عمل اعتراض به غیرت خداوند است و معنایش آن است که خداوند امری را حلال نموده است که باید حرام باشد و این نیست جز اتهام جهل و یا بی‌غیرتی به خداوند!

۲. غیرت بی‌جا یعنی غیرت در حلال خداوند موجب آلوده شدن انسان سالم می‌گردد. طبیعی است اگر یک زن در حلال خدا هم تحت فشار باشد، به خاطر فرار از فشار و یا به خاطر خشمگین کردن شوهر و از روی لجبازی از هر

فرصتی که به دست می‌آورد استفاده نموده و رفتارهای نامناسب و خلاف شرع انجام می‌دهد. پس غیرت بی‌جا، انسان سالم را مریض می‌کند.

**اما داستان غیرت زن چیز دیگری است.** البته اصل کلی همان است که بیان شد یعنی غیرت فقط در جایی صحیح است که خدای متعال آن را حرام و یا واجب نموده باشد. غیرت زن هم تابع همین قانون است. اگر شوهر در مسیر حلال خداوند حرکت می‌کند جایی برای غیرت زن نیست اما اگر حرکت شوهر به سوی آلودگی است طبیعی است که غیرت زن به جا بوده و باید به عنوان یک ابزار بازدارنده وارد عمل شود. همان طور که تمام بهره‌های شهوانی یک زن مخصوص شوهر اوست (حتی نگاه به زن) بهره شهوانی بردن مرد هم فقط مخصوص همسر او است. طالب بودن مرد حتی در نگاه باید مخصوص همسر باشد و تعدی از این قانون زن را غیرت‌مند می‌کند و این غیرت کاملاً به حق است. در پایان فقط یک نکته حاشیه‌ای دقت شود و آن این که نباید غیرت موجب سوءظن به طرف مقابل گردد. اصل در تمام رفتارهای انسان‌ها حمل بر صحت است نه حمل بر فساد و زشتی و آلودگی. انسان غیور قبل از غیرت‌مند شدن باید نگاهش را درست کند او باید به تمام رفتارهای همسرش مثبت نگاه کند و با او به احترام برخورد نماید.

### فرزند

یکی از تفاوت‌های دیگر بین زن و مرد نوع نگاه این دو به فرزند است. آن چه که روشن است این است که هر انسانی آرزو دارد زمانی فرزند خود را که پاره تن او است در آغوش کشیده و او را بوسه‌باران کند، حس فرزندخواهی نه یک حس مادرانه بلکه مشترک بین مرد و زن است و شاید بتوان گفت اختصاص به انسان نداشته بلکه مربوط به شالوده حیوانی انسان بوده و مشترک بین انسان و حیوان می‌باشد. تحلیل ریشه‌های این احساس مجال دیگری را می‌طلبد ولی شاید بتوان گفت ریشه این حس در مردان تحقق بقاء نسل و در زنان تحقق ظرف احساس مادرانه است. نگاه زن به فرزنددار شدن نگاه به وجود آمدن ظرفی است که او بتواند تمام عشق و محبت خالص خود را تخلیه کند. او را در آغوش بکشد و ... اما نگاه مرد یک نگاه احساسی تنها نیست بلکه او به دنبال نگه داشتن نسل و ماندگاری خانواده و در نگاه کلانتر ماندگاری نسل بشریت است.

برای آن که بهتر به این تفاوت برسیم به خانواده‌ای نگاه کنید که صاحب فرزند نشده‌اند. قلب مرد و زن ملامال از اندوه است اما یکی به خاطر آن که مادر نشده است و دیگری به خاطر آن که نسل او منقرض شده و ادامه پیدا نمی‌کند. البته فقط این نیست حس مثبت پدر شدن هم هست ولی نگاه اول هم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

### ورود ممنوع

آخرین تفاوتی که در این مجموعه به آن می‌پردازیم تفاوت در نوع نگاه زن و مرد به اطراف است. مجموعه روحیاتی که در وجود زن چیده شده است سبب می‌شود تا نگاه او به اطراف خود یعنی تمام حوادث، اشیاء و افراد نگاهی سطحی، احساساتی و زودگذر باشد لذا موضوعاتی که جلب توجه نموده و ذهن او را مشغول می‌کند زیاد است. ولی در مقابل طبیعت مرد به گونه‌ای است که بسیاری از دیده‌های زنان را نمی‌بیند و حتی نمی‌تواند ذهن خود را به آن مشغول کند.

در مکتب انسان‌ساز اهل بیت (علیه السلام) ورود آقایان به این محدوده ممنوع است و باید اجازه دهند که زنان در آن نگاه خود آزادانه سیر کنند.

در پایان امیدواریم تا با شناخت هر چه بهتر «ما» و مدیریت صحیح «من و تو» از اولین لحظه زندگی مشترک بهترین لذتها را تجربه کنید.